

نگاهی به حضور ارمنی‌ها در مشهد و تأثیر آن بر تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهر

۳قرن حضور ارامنه در مشهد

لیلا کوچک‌زاده

پیشینه حضور ارامنه در ارض اقدس به دوران حکم‌فرمایی نادرشاه افشار، یعنی حدود ۳۵۰سال پیش، برمی‌گردد؛ آخرین فاتح بزرگ آسیای میانه که به‌دنبال تبدیل مشهد و خراسان به ابر‌شهر بود، گروه‌های پرتوان مالی مانند یهودیان و مسیحیان را به مشهد کوچ می‌دهد که در سال‌های بعد با فراز ونشیب‌های بسیاری همراه است. ارامنه در دوره پهلوی جزو ساکنان تأثیرگذار مشهد از نظر اقتصادی و فرهنگی بوده‌اند، قشری ماهر اما اندک که مانند مویرگ در بحث سینما، تجارت و صنعت به‌ویژه صنعت برق در جان مشهد جریان داشته‌اند. این یعنی تجربه یک همسایگی شیرین که در آن اختلاف یا تبعیض و تحقیر در درباره آنان وجود نداشته است؛ آن چنان که سبب می‌شود این گروه به موفقیت‌های درخور توجهی هم دست یابند. فرارسیدن میلادحضرت‌مسیح^ع،مارابه تاریخ‌نگاری حضور این اقلیت مذهبی در مشهد،رساند که صفات اخلاقی آن‌ها را صلح‌دوستی، مبادی آداب بودن، مهربانی و جامعه‌پذیری وصف کرده‌اند. اما آنچه از حضورارامنه در مشهدباقی‌مانده، کلیسای مسروپ مقدس، مدرسه آریان در میدان ده‌دی و قبرستان محدوده خیابان عامل است.

● تبدیل مشه به ابرشهر با حضور مهاجران

افزایش و کاهش جمعیت شهر مشهد تحت‌تأثیر موقعیت جغرافیایی، ارتباطی، مذهبی و تحولات داخلی و خارجی آن بوده و هریک از این موقعیت‌ها باعث می‌شده است در یک مقطع تاریخی گروهی از مهاجران روانه این شهر شوند. رضا سلیمان‌نوری، رئیس انجمن گردشگری چهارباغ، سابقه حضور ارامنه به مشهد را در دوره‌های مختلف تاریخی بیان می‌کند و می‌گوید: ارامنه یک‌بار در دوره نادرشاه، یعنی حدود ۳۲۰سال پیش، به مشهد کوچ داده شدند و در کوچه مستشاری(پشت مدرسه علمیه آیت‌ا... خویی در فرعی کوچه شاهین‌فر) ساکن شدند. نادرشاه به‌دنبال این بود که مشهد و خراسان را به ابرشهر ایران تبدیل کند. بنابراین گروه‌های هنرمند و مالی پرتوان از جمله یهودی‌ها، تاجرها و حجاران هندی و مسیحیان را به مشهد کوچ داد. در این میان اما گروه مهاجران ارمنی به دلیل اینکه برای عادل‌شاه(جانشین نادر) سان ندادند، همه کشته شدند! آن‌طور که این پژوهشگر می‌گوید، از آنجا که عادل‌شاه برای جنگ‌هایش باید هزینه می‌کرد، اقلیت‌های مقیم مشهد را کشت و اموالشان را تصاحب کرد. به گفته این پژوهشگر، حضور دوباره ارامنه در

کلیسای ارامنه



حضور مسیحیان متعدد و با فرقه‌های گوناگون در مشهد موجب ساخت چند کلیسا شد که به گرایش‌های مختلف مسیحیت مربوط می‌شود. مهم‌ترین کلیسای مشهد در ضلع شرقی میدان ده‌دی اما متعلق به ارامنه است که پس از افزایش تعداد ارامنه به بیش از ۱۱۰خانوار در ۱۳۲۰ خورشیدی ساخته شد. زیربنای کلیسا سیمد مترمربع است و دو گنبد روی آن قرار دارد. بالای در ورودی کلیسا در سمت غرب، ناقوس نصب شده است. این کلیسا به نام مسروپ نام‌گذاری شد و مردم به آن کلیسای مریم مقدس می‌گویند. اینجا پایگاه گردهمایی آنان بود. مراسم انتخابات کاندیدای ارامنه اینجا برگزار می‌شد.

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت سی‌وپنجم)

پرونده قتل بانى مسجد «بالاسر»!

مرضیه ترابی[ابوالحسن عراقی دبیر (درگذشته سال ۴۲۹قمری در غزنه) در تاریخ مشهد آدم شناخته‌شده‌ای است، از آن افرادی که در توسعه شهر، بهبود اوضاع ساکنان این منطقه و البته فعالیت‌های عمرانی در حرم رضوی، در دهه‌های نخست قرن پنجم‌سهم انکارناپذیری داشته است.

ابوالفضل بیهقی، مورخ نامدار قرن پنجم که وی را به‌حق آغازگر فصل نوینی از تاریخ‌نگاری ایران می‌دانند، در کتاب مشهورش «تاریخ بیهقی، [چاپ سعید نفیسی، ج ۲، ص ۲۵۶] درباره خدمات ابوالحسن عراقی می‌نویسد: [ابوالحسن] وصیت بکرد و تابوتش به مشهد علی‌بن‌موسی الرضاضوان...علیه‌بردند وآنجا دفن کردند که مال این کار را در حیات خود بداده بودو کاریز [کاریز:قنات-احتمالاً منظور قنات سناباد، قدیمی‌ترین قنات مشهد بوده است] مشهد را که خشک شده بود، باز روان کرده،کاروان‌سرایى برآورده و دیه۱(روستایی) مستغل سبک خراج بر کاروان‌سرای و بر کاریز وقف کرده‌ومن [یعنی ابوالفضل بیهقی] درسنة (سال) احدی ولتئین و اربعمائه ۴۳۱قمری) که به طوس رفتم... به نوقان رفتم و تربت رضا راضی... عنه زیارت کردم،گور عراقی را دیدم در مسجد آنجا که مشهد است، در اطافی پنج گز یک گز؛ حدود یک متر) از زمین تا طاق (سقف) و او را زیارت کردم و به تعجب بماندم از حال این دنیا که فریبیده است که در هشت



برق مشهد نیز نقش زیادی داشتند. برخی از ارامنه مقاطعه‌کار و راورانده بودند و در حمل‌ونقل بیرون از مشهد تأثیرگذار. یکی از ماشین‌دارهای قدیمی مشهد سورن ارمنی بود، آن هم در زمانی که تعداد ماشین‌دارهای مشهد از تعداد انگشتان یک دست فراتر نمی‌رفت. سروس پست مشهد در سال ۱۳۰۷ خورشیدی توسط آواکیم سرکیسیان اجاره شد. تاریخچه فعالیت اقتصادی آن‌ها نشان می‌دهد اقلیتی ماهر و محدود بوده‌اند.

● اوج جمعیت ارامنه در دوره پهلوی

آن‌طور که در کتاب «گروه‌های مهاجر به مشهد از صفویه تاکنون» نوشته نیز بیان شده است، در دوره پهلوی بر جمعیت ارامنه افزوده شده و تعدادشان در سال ۱۳۱۳ خورشیدی ۳۶۰ نفر است. پس از شهریور ۱۳۲۰ نیز عده‌ای از ارامنه مشهد به تهران و برخی نیز به ارمنستان مهاجرت کردند و از جمعیت آنان روزبه‌روز کاسته شد. در ۲۹ مرداد سال ۱۳۳۹ فقط ۵۷ خانواده ارمنی در مشهد ساکن بودند. در اوایل دهه ۱۳۵۰ اما شمارشان به ۵۱ خانوار و درمجموع حدود ۲۰۰ نفر می‌رسید. آن‌ها در اوایل دهه ۱۳۵۰، ۹۵ درصد مسیحیان مشهد را تشکیل می‌دادند. با وقوع انقلاب اسلامی نیز در وضعیت زندگی‌شان تغییراتی ایجاد شد و تعدادشان به‌دلیل مسائل شغلی و دینی رو به کاهش نهاد. در سال ۱۳۶۰ تعداد کل مسیحیان شهر مشهد ۲۱۰ نفر بوده است. این تعداد همچنان کاهش یافت و در دهه ۱۳۷۰، ۶۱ مسیحی در مشهد زندگی می‌کردند و این روند به‌گونه‌ای کاهش یافت که به حدود سه چهار خانوار رسید که همان‌ها هم به اصفهان و تهران مهاجرت کرده‌اند. البته سلیمان‌نوری قائل به این است که هنوز حدود ۱۰ نفر در مشهد سکونت دارند که به معنی یک خانواده و از جمله ارامنه مذهبی و کلیسارو نیستند. او این را اضافه می‌کند که در کلیسای مسروپ مقدس که از دهه ۱۳۷۰ کشیش ندارد، برنامه‌ای هم برگزار نمی‌شود.

قبرستان ارامنه



سابقه حضور قبرستان ارامنه مشهد در خیابان حر عاملی را سال ۱۳۲۲ خورشیدی می‌دانند. نخستین شخصی هم که در این قبرستان دفن شده، خانم کارتینا هاوکوپیان همسر هارطونیان است که در همان سال راه‌اندازی قبرستان در اینجا دفن شده‌است. اینجا از سنگ‌قبرهای مرمر درجه یک استفاده شده و یک در آهنی بزرگ و دیوارهای مستحکمى داشته است. در قبرستان ارامنه قبرهای مسیحیان غیرارمنی از جمله سربازان لهستانی، ارتدوکس‌های روسی و افرادی آمریکایی هم دفن شده‌اند. این محل از اوایل انقلاب اسلامی غیرفعال و از اهمیت آن کاسته شده است. وسط قبرستان هم ساختمانی قرار گرفته است که از میان کاج‌های بلند خیابان‌های اطراف دیده می‌شود.



● صنعت سینما در دست ارامنه

مهم‌ترین عرصه فرهنگی ارامنه مشهد که به‌تدریج به شغل آن‌ها تبدیل شد، سینما و سینماداری بود. درواقع باید گفت صنعت سینمای مشهد در دوره پهلوی در دست ارامنه بود و جدیدترین فیلم‌های دنیا در آن به نمایش درمی‌آمد. در فصل خدمات گردشگری کتاب «تاریخ اقتصادی مشهد»، در زیر فصلی با عنوان «نقش ارامنه در سینماداری» می‌خوانیم که مسلمانان به‌دلیل جو مذهبی مشهد جرئت تأسیس سینما را نداشتند. بنابراین این کار را ارامنه انجام می‌دادند. روسی‌خان ارمنی در سال ۱۲۰۸ خورشیدی در ساختمانی دوطبقه در کوچه ارگ، سینما مایاک را تأسیس کرد و برادرش در تهران گراندسینما.

می‌توان گفت سینماداری در مشهد سه ضلع داشته‌است که دو ضلع آن در اختیار ارمنی‌ها بود. چهار سینمای شهر فرنگ، فردوسی، هما و ایران در اختیار هرات مانگاساریان، سه سینمای دیاموند، کریستال و متروپل در اختیار پطروسیان بوده‌است و چهار سینمای آریان، آسیا، سالترال و مولن‌روژ در اختیار عباس اسکوتیان. هرات مانگاساریان مالک ۷۵ سهم از ۳۵۰ سهم شرکت سهامی خاص سینما خراسان بود و قدم‌های بزرگی برای تهیه سالن‌های جدید و مدرن و مجهز سینما در مشهد برداشت. مثلاً سینما فردوسی در شهریور ۱۳۳۸ خورشیدی به‌عنوان بزرگ‌ترین سالن سینمای مشهد با ۱۷۰۰ تن گنجایش ساخته شد. سالن‌های سینمای هما و ایران نیز به صندلی‌های زیبا و تمام‌بله مجهز شدند. اما قدم دیگر شرکت سینمای خراسان نمایش فیلم‌های فارسی تولید ایران بود. سال ۱۳۴۵ سینما مولن‌روژ به گروه شرکت سینماهای مشهد با مدیریت هرات پیوست. او همچنین سینما شهرفرنگ لوکس‌ترین و مجلل‌ترین سینمای ایران را در فلکه تقی‌آباد ساخت که ۱۲۰۰ تن گنجایش داشت.

مدرسه آریان



ارامنه مشهد از اندک اقلیت‌هایی بودند که مدرسه مستقل داشتند. گويا این مدرسه در دوره رضاشاه فعال بوده است. در آمارگیری سال ۱۳۱۱ خورشیدی تعداد دانش‌آموزانش ۹۱ نفر بودند و آموزگاران مدرسه نیز ۹ نفر مسلمان و مسیحی بوده‌اند. در این مدرسه زبان روسی و ارمنی تدریس می‌شده است. نام مدرسه پس از دستورالعمل وزارت معارف به نام فارسی آریان تغییر کرد. ساختمان مدرسه پس از کلیسای ارامنه ساخته شد و در کنار کوچه و ضلع شمالی کلیسا دارای هشت کلاس و سالن وسیع اجتماعات بود. این مدرسه پس از پیروزی انقلاب اسلامی منحل و اکنون نیز غیرقابل استفاده است.



حرم ابوالحسن او را «چیزخو» کردند! نکته جالب اینجااست که ابوالحسن با خوردن آن سم از پا درنیامد و مدتی را به سختی زنده ماند. بیهقی می‌نویسد: «در آن هفته که گذشته شد (فوت کرد) من به عیادت او رفته بودم. او را یافتم چون تار موی گداخته ولیکن سخت هوشیار... بیهقی ابوالحسن را فردی بداخلاق و سخت‌گیر توصیف کرده‌است و به نظر می‌رسد که این غشی اخلاقی هم در قتل وی بی‌تأثیر نبوده است. با این حال، این اتفاق ناگوار و آن اخلاق نه‌چندان حسنه مانع از آن نیست که وی را یکی از ادیبان برجسته تاریخ ایران و البته یکی از فعالان عرصه عمران و توسعه در تاریخ مشهدالرضا^ع بدانیم. امروزه در مسجد بالاسر نشانی از قبر ابوالحسن عراقی دبیر نیست و همین مسئله باعث شده‌است که برخی موضوع دفن وی را در این مکان باور نکنند، اما وقتی گزارشی از یک شاهد عینی و البته مورخی معتمد مانند ابوالفضل بیهقی داریم، چه جای شک و تردید؟!>



دوم تا پنجم دی؛ روزهای خاص انقلاب اسلامی در مشهد (قسمت دوم)

واکنش تند روحانیت به فاجعه دوم دی‌ماه مشهد



آقای سیدان نوری

در واقعه دوم دی‌ماه ۱۳۵۷ مشهد مردم مبارز به خاک‌وخون کشیده شدند و حتی مأموران رژیم به‌صورت رسمی به بیت‌آیت‌ا... العظمی شیرازی، یکی از دو مرجع تقلید حاضر در مشهد، توهین کردند و این جنایت واکنش‌های فراوانی را به‌دنبال داشت. این واکنش‌ها چنان شدید بود که از این واقعه می‌توان به‌عنوان سرآغاز روند استقرار دست حکومت اسلامی در مشهد نام برد. برای نمونه بر اثر بازتاب‌های همین واقعه فرماندار نظامی مشهد مجبور به خروج از شهر شد و بسیاری از نیروهای دولتی مانند طیف گسترده‌ای از کارکنان رادیو و تلویزیون و استانداری به مردم پیوستند.

● واکنش امام‌خميني(ره)

یکی از موضع‌گیری‌های اولیه در این باره از سوی بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، امام‌خمينی^ع، صورت گرفت. ایشان در بخشی از پیامی که بعدها به‌نام «نش توصیه‌عمومی» معروف و در صفحه ۲۸۴ جلد۵ صحیفه امام منتشر شد، روز نهم دی‌ماه را به‌علت وقوع این حادثه روز عزای عمومی اعلام کردند. در بخشی از این پیام آمده بود: «... پس از آنکه‌شاه خودارفتنی دانست، مطهر مشهد مقدس و نیز هفته کشتار مشهد مقدس و نیز کشتار شهرستان‌های دیگر....»

● ابراز انزجار مراجع قم

آیت‌ا... العظمی مرعشی نجفی نیز در تلگرامی به آیت‌ا... العظمی شیرازی که در صفحه ۶۱۹ جلد اول کتاب «اسناد انقلاب اسلامی» منتشر شده است، از این حادثه اعلام انزجار کرد. در این پیام آمده بود: «از حادثه مؤلمه وحشیانه مأمورین دستگاه حاکمه و رژیم استبداد علیه مردم مسلمان دارالمؤمنین مشهد که منجر به قتل و ضرب‌وجرح عده‌ای شده است، عمیقاً متأثر و متأسف هستم. ضمن تسلیت به بازماندگان مقتولین و عموم طبقات خاصه آقایان علمای اعلام دامت برکاتهم، امیداست خداوند سبحان هرچه زودتر دست ظلم و ستم را از سر ملت مسلمان ایران کوتاه و نصرت و پیروزی نصیب عموم بفرماید.»

آیت‌ا... العظمی گلپایگانی نیز در پیامی که در صفحه ۶۲۰ جلد اول کتاب «اسناد انقلاب اسلامی» منتشر شده است، در این باره گفت: «... مسئولیت تمام این فجایع و عواقب وخیمه‌اش متوجه مقامات دولتی است که موجبات تنفر و انزجار ملت را روزبه‌روز زیادتیر نموده و به خواسته‌های قانونی و اعتراضات منطقی آنان پاسخ نداده و می‌خواهند با زور و سرنیزه و حبس و تبعید و ضرب و جرح و قتل، مردم را سرکوب و ساکت نمایند....»

● تهدید رژیم از سوی مراجع مشهد

این موضع‌گیری‌ها درحالی انجام شد که پیش از این دو مرجع بزرگ حاضر در مشهد، یعنی آیات شیرازی و قمی، پیام مشترکی را خطاب به مردم ایران درباره حوادث دوم دی مشهد صادر کرده بودند. در بخشی از این اعلامیه مشترک به روایت صفحه ۶۱۷ کتاب «اسناد انقلاب اسلامی» آمده است: «همان‌طور که مکرر اعلام کرده‌ایم، وعلاهم به ثبوت رسیده، مردم مجاهد و ازان گذشته ایران از این سفاکی‌ها ترس ندارد و از مبارزه انسانی و اسلامی خود تا برقراری نظام عادلانه اسلامی دست برنمی‌دارد.... گرچه برادران ما در مشهد و سراسر کشور خودبه‌خود عزادار و در حال اعصاب هستند، اما عظمت فاجعه ایجاب می‌کند که بار دیگر ملت مراتب انزجار و خشم و نفرت و نیز همبستگی خود را در مقابله با نظام و جنایاتش اظهار نمایند. لهدار روزهای دوشنبه ۲۴ و سه شنبه ۲۵ محرم الحرام که روز سه‌شنبه نیز مصادف با وفات امام سجاد علیه‌السلام، پیشوایی که مبارزاتش مکمل قیام حسینی بود، می‌باشد، روزهای عزا و تعطیل عمومی و راهپیمایی اعلام می‌شود. جنایتکاران و حامیان بیگانه آنان باید بدانند به یاری خداوند دادگر و با توجهات خاصه ولی منتقمش^ع ملت ایران انتقام قطره‌قطره خون عزیزان و قهرمانان خود را خواهد گرفت و زمان آن نزدیک است، الیس الصبح یقرب.»

آیت‌ا... العظمی شیرازی همچنین طی تلگرافی به اه‌زاری، نخست‌وزیر وقت، خواستار عزل میرهادی، فرماندار نظامی مشهد و عامل کشتار در دوم دی‌ماه، شد. در بخشی از این تلگراف که روزنامه آفتاب شرق آن را نخستین‌بار در روز ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ به اطلاع عموم رساند، آمده بود: «اگر میرهادی را زنده می‌خواهید، باید طرف ۴۸ ساعت مشهد را ترک کند، وگرنه جنازه او را به تهران حمل خواهند کرد.» همین امر باعث فرار فرماندار نظامی مشهد از این شهر در روز پنجم دی شد.

● گسترش اعتصابات

واکنش مراجع تنها بازخورد واقعه دوم دی مشهد نبود. زیرا به‌دنبال این فاجعه، نیروهای برخی سازمان‌ها و ادارات دولتی مشهد با مردم اعلام همبستگی کردند. فردای آن روز قضات، وکلا و کارمندان دادگستری استان خراسان تجمعی در سالن اجتماعات دادگستری برگزار کردند که در پایان آن حضاران ضمن اعلام جرم علیه فرماندار نظامی، از اعتصاب یک‌هفته‌ای خود خبر دادند. کارکنان رادیو و تلویزیون خراسان نیز اعلام کردند در راه مبارزه همگام با مردم هستند و هیچ‌گونه دخالتی در پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیون در باره حکومت نظامی نخواهند کرد. کارکنان و کارمندان استانداری خراسان نیز ضمن اعلام همبستگی با خانواده‌شهدا و ابراز تنفر از شاه، روز هفتم دی‌ماه را زمان آغاز تحشنان در بیت‌آیت‌ا... قمی اعلام کردند. به این ترتیب، فقط شخص استاندار در خدمت رژیم باقی ماند و در کاخ ملک‌آباد در میان انبوهی از تانک‌ها و مسلسل‌ها پنهان شد.

مردم شهر فردای این روز درحالی که شهر تعطیل کامل بود، در میدان شهدا اجتماع کردند و خواستار مجازات فرماندار نظامی و دیگر عاملان فاجعه روز قبل شدند. براساس سند منتشرشده در کتاب «تقویم تاریخ انقلاب اسلامی ایران»، خبرگزاری رویتر خبر ذیل را از این راهپیمایی مخایره کرد: «براساس گزارش‌های تلفنی، در مشهد نزدیک به یکصد هزار نفر برای تشییع جنازه کشته‌شدگان تظاهرات روز شنبه ۱۰/۲/۱۳۵۷) در مقابل بیمارستان امام‌رضا^ع گردآمدند و شهر به حال تعطیل درآمد

داشتگاهیان مشهد نیز در اعتراض به کشتار مردم به‌دست مأموران شاه و سیاست‌های ضد‌مردمی شاه در سوم دی‌ماه، با اجتماع در دانشکده‌های ادبیات و علوم، اقدام به راهپیمایی کردند. سرانجام اینکه مردم از جنب سوم دی‌ماه بنا به دستور علمای شهر بار دیگر فریاد ا... اکبر را در پشت‌بام‌های منازلشان سر دادند تا به این وسیله اعتراضشان را به عملکرد رژیم اعلام کنند.

مشهدیات